

ذکتاو = لیسیدن.
 ذکیچک = حشره، کنه.
 ذم = دم.
 ذم-پے-ذم = یکی پی دیگر.
 ذندون = دندان .
 ذو = دو (۲).
 ذو-تاجهک = دو قات.
 ذو-زفهک = دو زبانه، گپ زدن به دو زبان.
 ذهذیج = ۱- دهنده؛ نوم ~ = نام دهنده؛ پول ~ = پول دهنده؛ ۲- پر زور، نیرومند، جنگی (حیوانات)؛
 ذهذیج بنیج = گاو جنگی؛ ۳- قسمت دوم کلمات مغلط مانند: بنور ~ = تحریک کننده.
 ذهذین، ذهذهن = پر زور، نیرومند، جنگی؛ اک-و تو-ند ذهذین بچ = بز تو جنگی است؛ ذهذهن ژاو از مو زبا تایید = گاو (ماده) جنگی از پشت سر من گذشت.
 ذوغ = دوغ.
 ذوغ-خُنبیه = اتاله دوغ دار.
 ذوغ-میزد = دوغ جور کردن.
 ذوقداو، ذیفداو = چیدن، جمع کردن.
 ذون = گندم بریان شده.
 ذونج = دانه، تخمه.
 ذپو، ذپون = دیو، دیوانه.
 ذپو-ذکچ = بی ادب، بی تربیه، بی دسپلین (دیو لیسیده).
 ذپو-رفند، ذپو-رفندک، مر بنتد = نخود وحشی.
 ذپو-مبیک = دیو مشنگ.
 ذید = پارو (گاو ، مال).
 ذند = جنگ.
 ذید-تیزد = کشیدن پارو .
 ذید-چهر-چید = پارو هموار کردن.
 ذند-چید = جنگ کردن؛ اچت نیسونه ذند-چید نیست = دلیلی (نشانه) برای جنگ کردن وجود ندارد.
 ذندگر، ذندگهر = جنگجو.
 ذیدوار، ذید-خمو، ذید-خمود = کجاوه برای پارو.
 ذند-ویدیج = جنگ انداز.
 ذنرف = داس.
 ذنبر، ذنبرد، ذنبرگ = ح. سمور (Marten).
 ذنبرخ = درخت توس.

ذارگ تنبیج = نجار.
 ذارگ = چوب.
 ذارگن، ذارگنک = چوبی.
 ذابنخ = موی (بز).
 ذابنخن = موی دار.
 ذد = دود.
 ذدے-دخ = دود.
 ذر، ذرکے = دور، دور تر.
 ذست، ذستپن = دست، دست ها.
 ذست-چے-پاڈ = درحالتی، کارکن، استعداد کاری.
 ذست-پنخ = آب دست.
 ذستکے = دستی.
 ذست-مے-ذست = دست به دست.
 ذببت = ته دیگ.
 ذفحک، ذفحک = ب. ۱- گیاه، سگ زبان (Para Cinoglossum denticulatum)؛ ۲- تیره گاوزبان یا بوراژیناسه (به انگلیسی: Boraginaceae) دارای ۱۵۶ جنس یا سرده و ۲۵۰۰ گونه است. بیشتر گیاهان علفی با کرک‌های ریش مانند، گاهی درختچه‌ای یا بالارونده هستند. گل‌آذین معمولاً گرز مارپیچ است که با شکوفا شدن گل‌ها باز می‌شود. گل‌ها معمولاً دو جنسی و منظم‌اند. کاسه گل متشکل از ۵ کاسبرگ آزاد یا پیوسته و معمولاً همپوش است. جام گل دارای ۵ گلبرگ پیوسته است. پرچم‌ها ۵ عدد است. بساک رو به داخل و میله‌ها اغلب در قاعده دارای دیسک حاوی شهداند. تعدادی از گونه‌های آن مانند گل فراموشم‌نکن، گل گاوزبان، سینه دارو، هماور دارویی، زنگوله‌ای، سپستان، هلیوتروپیوم، آلکانا و گل عسلی برای تزئین در کناره‌های علفی کاشته می‌شود. وپ؛ ۳- آزار دهنده، چسپنده (مانند)؛ ۴- سأم، یو ته فا ~ پیے مو سوڈ = اگر من بروم، او باز بمن می چسپد. م. نفخ:ن ذوقد، پذفحک، پذفخ: پذوقد، پذفخ: پذوقد.

ذیس = ده (۱۰).

ذیسک = جو دوسر (Avena).

ذیسک-وابین = ب. سازو (Juncus) سرده‌ای از گیاهان از تیره سازوئیان است. این تیره ۲۲۵ تا ۳۰۰ گونه گندمی شکل دارد که در اغلب نواحی مرطوب جهان می‌رویند، ولی در نواحی گرمسیری نادرند. پ.

ذیف = سوراخ سوزن.

ذیقادو، ذوقدو = چیدن، جمع کردن.

ذیک ۱، ذیگک، ذکیجک = حشره، کنه.

ذیک ۲ = خاک نمکی.

ذیون - دو (۲).

ذیونهک = هر دو.